

اعتراض جامعه بهایی به پیش نویسی قانون مجازات اسلامی

خانم دوگال گفت: «بر اساس این قانون، پیروان هر دینی غیر از اسلام که در موقع انعقاد نطفه شان یکی از والدین آنها مسلمان بوده، مرتد شنبخته می شود. در نتیجه اگر، به عنوان مثال، فرزند یک مسلمان و یک مسیحی دیانت مسیحی را اختیار کند بر اساس مفاد این قانون مرتد و مجازات او اعدام است.» بخش نگران کننده دیگری از این لایحه قوانین «امنیت» کشور را به بیرون از ایران تعمیم داده و کسانی را که در خارج از کشور هستند در برابر حکومت آسیب پذیر می کند.

«ظاهراً ایران تنها به تعقیب کسانی که آنها را در داخل کشور مخالف می شناسد راضی نیست.» به گفته خانم دوگال بر اساس ماده ۱۱۲ قانون پیشنهادی «اقدام علیه حکومت، استقلال، امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران» از مصادیق جرم هستند. خانم دوگال افزود: «از آنجا که مفهوم «امنیت» در قانون تعریف نشده، هر اقدامی را می توان به عملی بر علیه آن تعبیر کرد. در واقع تا به حال بسیاری از بهائیان در ایران به اتهام کاذب فعالیت علیه امنیت کشور متهم شده اند.» «اگر این قانون جدید کفیری به تصویب برسد ایرانیان بهائی - و دیگران - در سراسر عالم به خاطر فعالیت هائی که مغایر با امنیت ایران تلقی شود در معرض اتهام قرار می گیرند.» به گفته خانم دوگال ابهام این قانون در تعریف «توهین به مقدسات» و جرائم دیگر نیز مجوزی برای حکومت خواهد بود که بر علیه هر گروهی که مورد تأییدش نیست وارد عمل شود. «این قانون شامل ماده هائی است که به ارتکاب جرائم و تبهکار نامشخص در قانون ارجاع شده و نیز ماده هائی که به «مفسد فی الارض» می پردازد.» خانم دوگال گفت: «این قانون برای کسانی که «سب النبی» کرده باشند مجازات اعدام تعیین کرده است. اینگونه ملاحظات در قانون بسیاری از گروه ها از جمله بهائیان را در موقعیتی بسیار آسیب پذیر قرار می دهد چون «سب» یا توهین با پیامبر، خصوصاً وقتی اعتقادات مذهبی مطرح باشد، می تواند به هر مفهومی اطلاق شود.»

در تحول دیگری در همین زمینه رئیس اتحادیه اروپا اخیراً «نگرانی جدی» خودش را از «وضعیت رو به وخامت» جامعه بهائی در ایران ابراز کرد. دکتر دیمیتریچ روپل، اهل اسلوانی و رئیس اتحادیه اروپا، گفت: «اتحادیه اروپا نگرانی عمیق خود را از وخیم تر شدن وضعیت اقلیت های قومی و دینی در ایران و بخصوص وضعیت بهائیان ابراز می کند.» «اتحادیه اروپا نگران تبعیض و آزار مداوم و برنامه ریزی شده علیه بهائیان در ایران از جمله اخراج دانشجویان و محصلین دبیرستانی، مدودیت اشتغال و تبلیغات ضد بهائی در رسانه های ایران است.»

ایران امروز: دفتر جامعه بین المللی بهایی در سازمان ملل متحد در ژنو امروز با صدور اعلامیه ای به مجازات اعدام برای تغییر دین و اهانت به پیامبر اسلام که در پیش نویسی مجازات اسلامی آمده است به شدت اعتراض کرد و بیان داشت که این تعبیر نه فقط بهائیان بلکه یهودیان و مسیحیان و غیره را نیز شامل می شود.

در همین راستا، دکتر دیمیتریچ روپل، اهل اسلوانی و رئیس اتحادیه اروپا، نیز نگرانی عمیق خود را از وخیم تر شدن وضعیت اقلیت های قومی و دینی در ایران و بخصوص وضعیت بهائیان ابراز داشته است.

متن کامل این اعلامیه چنین است.
نقض آشکار حقوق بشر در پیش نویسی یک لایحه قانونی در ایران

نیویورک، ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ برابر با ۳ اسفند ۱۳۸۶ مجلس ایران لایحه ای را تحت بررسی دارد که مواردی از نقض جدی حقوق بشر را نهادینه خواهد کرد، مواردی که نه تنها بهائیان بلکه دیگران را حتی در بیرون از کشور در معرض خطر قرار خواهد داد.

بیشترین نگرانی مربوط به بخشی از این قانون است که مجازات کسی را که از اسلام به دیانت دیگری گرایش پیدا کند مرگ تعیین می کند. این تعبیر نه فقط بهائیان بلکه یهودیان و مسیحیان و غیره را نیز شامل می شود. بانی دوگال، نماینده اصلی جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل متحد، گفت: «لایحه پیشنهادی برخلاف تمام موازین و ضوابط حقوق بشر و پیمان هائی است که ایران نیز آنها را پذیرفته است.»

«لازم است جامعه بین المللی اکنون، تا فرصت باقی است، و این پیش نویسی به قانون ایران تبدیل گردد، به آن اعتراض کند.» قانون پیشنهادی در عین حال دامنه اختیارات حکومت را در آنچه اخلاص در امنیت ملی می خواند به بیرون از کشور بسط می دهد و به اعمال تبعیض هائی که در حال حاضر به طور گسترده بر علیه بهائیان و دیگران صورت می گیرد جنبه قانونی می دهد.

این قانون تعریفی چنان مبهم از بعضی جرائم «مذهبی» و غیر آن ارائه می کند که می تواند تقریباً هر گروهی را که مورد تأیید حکومت نباشد در معرض اتهام قرار دهد. خانم دوگال گفت: «اگر این قانون تصویب شود، به حکومت و روحانیون اجازه خواهد داد تا با برخورداری از مصونیت قضائی، شهروندان ایران را به صرف اعتقادات مذهبی آنها تحت پیگرد قرار دهند.»

این کار اهانتی است نه تنها به مردم ایران بلکه به تمام مدافعان اصول حقوق بشر در جهان.» به گفته خانم دوگال، بخش تازه این لایحه درباره تغییر دین - به عنوان ارتداد - بخصوص بسیار شدید است، بدین معنی که نحوه نگارش آن مجازات اعدام را برای هر کس که از اسلام به دیانت دیگری رو بیاورد و بلافاصله توبه نکند الزام آور می کند. «در متن پیشنهادی کلمه «حد» آمده، بمعنای آنکه اعدام، مجازات قطعی تعیین شده برای این جرم است و قابل تغییر، تبدیل و یا نقض نیست.» به گفته خانم دوگال: «در گذشته احکام اعدام در مورد ارتداد صادر و البته اجرا هم شده بود، اما هرگز در متن قانون نوشته نشده بود.»



از ماست که برماست

افلیا پرویزاد
e-mail: azmastkebarmast@yahoo.com

He who is of calm and happy nature will hardly feel the pressure of age, but to him who is of an opposite disposition youth and age are equally a burden. Plato

شهر موفقیت

وقتی که قرار شد راهی را در زندگی انتخاب کنم، تصمیم گرفتم در جاده ای قدم بگذارم که به سمت مشرق میرفت...

این جاده از جنگل کودکی ام شروع میشد و خاتمه آن میرسید به شهر موفقیت... با اینکه سعی کرده بودم تا تمام معلوماتم را در چمدانم بگنجانم، اما با این حال ترس و وحشت نیز اضافه باری بود بر روی شانه هایم... همانطور که به راهم ادامه میدهم در فکرم با ارزشترین و مهمترین هدف رسیدن به دروازه های شهر موفقیت است...

سر راه به یک رودخانه میرسیم... رودخانه ای پر از تلاطم... رودخانه ای بدون پل... احساس وحشت سراپایم را فرا گرفت... حالا چطوری خود را به آنطرف رودخانه برسانم؟!... چگونه به شهر موفقیت برسم؟!...

سنگ تیزی را پیدا کردم. با تمام قدرت و توانایی درختی را بریدم، پلی درست کردم و از رودخانه گذشتم... هوا طوفانی شد... چه بارانی تند و سنگینی... سرد شد... به لرزه افتادم... و در همان حال نیز احساس شک و تردید... حالا چکار کنم؟!... چگونه خود را به شهر موفقیت برسانم؟!... از برگهای درختان چتری درست کردم و خود را از باران خیس و سرد پنهان نمودم... مسافرتم بیشتر از آنچه که انتظار داشتم بطول کشید... برایم دیگر غذایی باقی نمانده... اما به جای اینکه گرسنگی بکشم، بجای اینکه از این سفر صرف نظر کنم، به خودم یاد دادم که از رودخانه ماهی بگیرم و خود را سیر کنم...

خستگی راه رفتن دارد مرا از پای در می آورد... چکار کنم تا بتوانم راحت تر به راهم ادامه بدهم؟!... به یاد اضافه باری که بر روی شانه هایم بود می افتم... ترس و وحشت... می اندازمشان دور و سرعتم را سریعتر میکنم... و حالا می توانم شهر موفقیت را از راه دور، از پشت درختان ببینم... و بالاخره رسیدم... با خودم فکر میکنم... حالاست که تمام دنیا به من چشم خواهند انداخت... حالاست که همه حسرت مرا خواهند خورد... رسیدم به شهر موفقیت... رسیدم به هدفی که در زندگی داشتم...

اما... اما دروازه قفل است!!!... سعی میکنم که دروازه را بزور باز کنم... دروازه بان اخم هایش را در هم می برد و به آرامی میگوید: «وقتت را تلف کردی نمی توانم بهت اجازه ورود بدم، سمت در لیست نیست!!»... آه... چقدر گریه کردم... اشک ریختم... فریاد زدم... احساس کردم که زندگی به اتمام رسیده است... در همین حال برای اولین بار سرم را برگردانده و بطرف مغرب نگاه میکنم... به مسیری که طی کرده بودم... چشمی می افتد به تمام کارهایی که در سر راه

انجام دادم... تمام مشکلاتی را که توانسته بودم از بین ببرم تا خودم را به شهر موفقیت برسانم... متوجه شدم که در این مسیر زندگی، در این جاده ای که انتخاب کرده بودم، یاد گرفتم که چطور از رودخانه های پر تلاطم بگذرم... خود را از باران و رعد و برق پنهان و خشک نگهدارم... با حیوانات وحشی کنار بیایم... دریچه قلبم را بر روی عزیزان باز کنم، هر چند که بعضی وقتها درد نیز وارد میشد... یاد گرفتم که چگونه ترس و وحشت را از خود دور کنم... با خودم فکر کردم با اینکه نتوانستم تا وارد شهر موفقیت شوم، اما دلیل بر این نمی شود که در مسیر زندگی موفق نبودم... و از همه مهمتر متوجه شدم که موفقیت من در زندگی به سفرم، به مسیرم بستگی دارد و نه به مقصدم...

* * * * *

چند ماه پیش بنا به تصدیق شناسنامه، من وارد چهل و ششمین سال زندگی شدم، اما با سربلندی بسیار، سالیان سال است که بخاطر داشتن روحیه و روانی مثبت اصلاً احساس نمیکنم که سنم دارد بالا میرود. مسلماً هیچکس دلش نمیخواهد پیر شود و البته هیچکس هم دوست ندارد که زندگی کوتاهی نیز داشته باشد. پس ما چطور میتوانیم میزان و تناسبی بین یک مسئله چاره ناپذیر و یک آرزو برای زندگی طولانی پیدا کنیم؟! برای شروع بیایم تا این نظر و اعتقاد را که هر چه سن بالاتر میرود یعنی پیرتر میشویم و در نتیجه رفتارمان نیز باید مانند سالمندان باشد و با اینکه از داشتن آرزوهای جوانی مان صرف نظر کنیم، دور بیندازیم...

یک شخص پیر نمی شود تا موقعی که احساس افسوس خوردن و پشیمان شدن جای آرزوهایش را بگیرد. همانطور که سالها میگذرد بیشتر و بیشتر ما انسانها به این نتیجه میرسیم که سن و سال رابطه مستقیمی با روح و روانمان دارد تا به تعداد شمع هائی که بر روی کیک تولدمان گذاشته میشود... انسان نباید سالهای زندگی را بشمارد و یا نگران سنش باشد، بلکه آرزوها و علاقه هایش در زندگی است که باید مهم و اهمیت داشته باشد، و هیچوقت نیز حالت شگفت انگیزی کودکیش را از دست ندهد...

بسیاری از ما به این مسئله اعتقاد داریم که مرگ بزرگترین مثبت و بدترین حادثه ای است که میتواند در زندگی یک انسان رخ دهد... در صورتیکه بنظر من بدترین اتفاق در زندگی یک شخص این است که احساس جوانی در وجودش ببیرد، زمانی که زنده است... پس بیایم تا «شاخه های» زندگی را با قدرت هر چه بیشتر در دست بگیریم، مثبت باشیم، و فراموش کنیم که سال آینده چه تعداد شمع بر روی کیک تولدمان خواهند گذاشت... چرا که این روح و روان است که نباید پیر شود...

کنسرت با شکوه مریم جلالی

به همراه موسیقی دان برجسته امیررضا خستوان

شنبه ۲۹ مارچ ۲۰۰۸

ساتنا کلارا کانونشن سنتر

شروع برنامه: 7:30 شب



Saturday
March 29th
at 7:30 PM

Santa Clara Convention Center
Info and Reservation : 408-370-1881